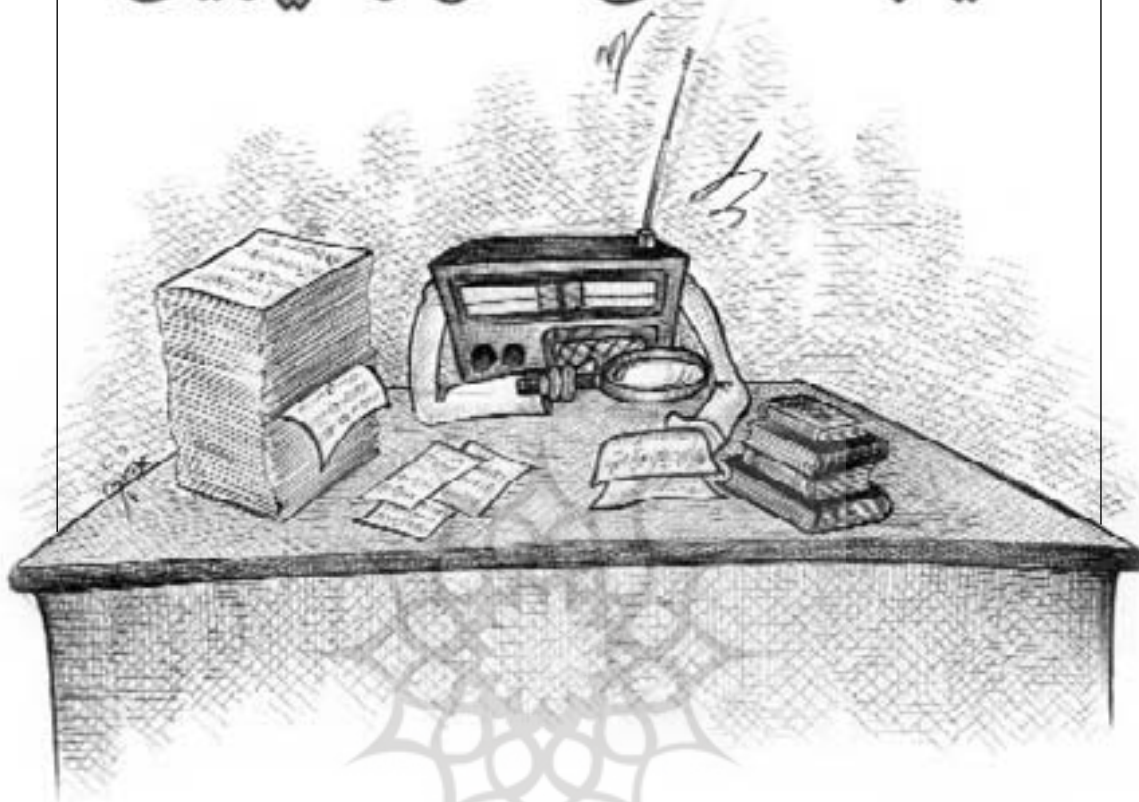


# آسیب‌شناسی متن رادیویی



● محمد شهبها

ژوئیه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رادیو رسانه‌ای است که در آن، تقریباً همه چیز به قالب گفتار درمی‌آید. کاربرد نادرست واژگان، تکرارهای غیر ضرور، جمله‌های نامناسب یا غیر فارسی، مقدمه‌های طولانی و بی‌مورد و تعارف‌های تکراری، رعایت نکردن زمان بندی جمله‌ها، نصیحت‌های تکراری و داوری ارزشی درباره موضوعات گوناگون از اشکالات کلی برنامه‌های رادیویی است. به علاوه، کاستی‌ها و نادرستی‌های زبان نوشتار به نمایشنامه‌های رادیویی، که از مصادیق زبان گفتار است، راه یافته است به طوری که زدودن آنها به تلاشی فراوان نیاز دارد. در این مقاله، اشکالات نمایشنامه‌های رادیویی در سه مقوله کلی، با ذکر نمونه‌هایی، تحلیل و بررسی شده است: جمله نامفهوم و نادرست، ساختار غیر فارسی، واژه‌های نامناسب یا زاید.

سال پنجم / شماره ۳۱

رادیو

۴۷

متون برنامه‌های رادیویی می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقدمه‌های طولانی و بی‌مورد، تعارف‌های تکراری، نصیحت‌های چندباره، داوری ارزشی درباره موضوعات گوناگون و

درباره آسیب‌شناسی متون رادیو بسیار نوشته‌اند و به مواردی همچون کاربرد نادرست واژگان و تکرارها و جمله‌های نامناسب یا غیرفارسی اشاره کرده‌اند. از نارسایی‌های کلی



**در رادیو هدف آن است  
که ایستگاه رادیویی در  
شرایطی قرار گیرد که  
معلوم شود مجریان  
پخش رادیویی «تنها  
صداهایی در هوا» نیستند،  
بلکه انسان‌هایی همچون  
ما هستند که احتمال  
دارد در راه‌بندان‌های  
شهر گیر کنند و  
به قرارهایشان نرسند**

نشوند یا بخشی از وقت برنامه را نگیرند؛ چیزی که در گفت- و گوهای رادیویی ما اغلب رخ می‌دهد.

در رادیو، تکرار مطلب نیز مرسوم است؛ زیرا هر چند گوش- دادن به مراتب آسان‌تر از گذشته شده، اما به همان میزان هم از دقت آن کاسته شده است و می‌توان بخش اعظم پیام را نادیده گرفت. ارتباط رادیو تنها از طریق یکی از پنج حس برقرار می- شود و ورای حدود این ارتباط چیزی وجود ندارد؛ و لذا آن رسانه باید دائماً برای جلب توجه شنونده با پیام‌های دیگر حواس، که شرایطی را به وجود می‌آورد که شنونده خود را در آن می‌یابد، مبارزه کند. این شرایط عبارت‌اند از: رانندگی اتومبیل، شستن ظروف و غیره.

افزون بر اینها، تکرار نام ایستگاه در برنامه‌های رادیویی رایج است. اینکه در میان برنامه چند بار اعلام می‌شود، مثلاً، «اینجا رادیو فرهنگ است» چند معنا دارد: نخست، برنامه‌ای که دارید به آن گوش می‌دهید از رادیو فرهنگ پخش می‌شود؛ دوم، اگر گوینده شناخته شده باشد، «من» رادیو فرهنگم، وسیله‌ای برای معرفی این شبکه است؛ سوم، این برنامه نشان‌دهنده فرهنگ ملت ایران است. به دیگر سخن، در این موارد، تکرار جمله «اینجا رادیو فرهنگ است» تأکید بر چند چیز است: خود گوینده، شخصیت وی، برنامه‌ای که در حال پخش است و فرهنگ جامعه. همه این تأکیدها موجب می‌شود که این جمله شاخص دیدگاه فکری یا سیاسی یا شاخص ملتی خاص شود. در این موارد، آنچه تکرار برنامه‌های استاندارد رادیویی را از

سرردگمی مجریان و گوینده‌ها در رعایت زمان بندی جمله‌ها؛ مثلاً برنامه صبحگاهی رادیو پیام آکنده از نصیحت‌های طولانی گوینده است که هر روز بالحنی حق به جانب پرهیز از دنیا را به شنونده‌های «عزیز» می‌آموزد و نیز از آنان می‌خواهد که باهم مهربان باشند و آزارشان به کسی نرسد. این آموزه‌ها البته مؤثر می‌بود، اگر «گفتار» گوینده چنان بود که حس می‌کردیم سخنی است که از دل برآمده؛ ولی لحن و شیوه بیان گوینده چنان است که نه تنها چنین حسی در ما پدید نمی‌آورد، بلکه دافعه ایجاد می- کند. البته آوردن جمله‌هایی که ظاهراً به بحث نامربوط است بیشتر برای طبیعی ساختن گفت و گو و برداشتن فاصله برنامه رادیویی با شنونده است؛ ولی این جمله‌ها اغلب بسیار کوتاه‌اند و با اطلاع‌رسانی درباره رویدادهای بیرون از استودیو، فاصله میان رسانه و مخاطب را کاهش می‌دهند؛ مثلاً گوینده می‌تواند به میهمان برنامه، که تازه به استودیو رسیده، بگوید: «خوشحالم که توانستید از راه‌بندان‌های همیشگی میدان ونک تا جام جم رها شوید و به موقع به اینجا برسید». برخلاف تلویزیون، این جمله‌ها در رادیو بیشتر به کار می‌رود؛ زیرا در رادیو هدف آن است که ایستگاه رادیویی در شرایطی قرار گیرد که معلوم شود مجریان پخش رادیویی «تنها صداهایی در هوا» نیستند، بلکه انسان‌هایی همچون ما هستند که احتمال دارد در راه‌بندان‌های شهر گیر کنند و به قرارهایشان نرسند.

نکته بسیار مهم این است که این نوع جمله‌ها باید کوتاه باشند و فقط برای آغاز بحث به کار روند و خود موضوع بحث

برنامه‌های رادیویی ما متمایز می‌کند همانا نوع و میزان تکرار است که در برنامه‌های ما از اندازه بیرون است و تناسبی با مدت زمان برنامه و مخاطبان ندارد و پدیدآور این دلالت‌های چندگانه نیست.

اینکه در اینجا «گفت و گو» را نیز در گستره متن رادیویی قرار داده‌ایم به این دلیل است که در رادیو، چون رسانه «کور» است، همه چیز در قالب گفتار ظاهر می‌شود، حتی آنچه نوشته شده باشد، یعنی متن رادیویی چیزی نیست جز آنچه گفته می‌شود؛ چنان که تمایز میان «نوشته» و «گفته» در این رسانه به کمترین حد می‌رسد، برخلاف مطبوعات، که همه چیز، حتی گفتار، در آن حالت نوشتار می‌یابد؛ و برخلاف تلویزیون، که به علت جنبه بازنمونی‌اش، می‌توان در آن، متن نوشتاری را (که مجری از روی چیزی می‌خواند) از متن گفتاری (گفت و گوی دو یا چند نفر) آشکارا تمیز داد.

این مسائل کلی - اگر نگوییم در همه - در بیشتر برنامه‌های رادیویی ما وجود دارد؛ اما در این مقاله تأکید بر نمایشنامه رادیویی است؛ بیشتر به این دلیل که این مقوله از نظر پنهان مانده و به رغم اهمیت نمایش و اثر فراوانی که در مخاطب می‌گذارد، کمتر به آن پرداخته‌اند. به این منظور، چند نمایشنامه پخش شده از شبکه‌های رادیویی را برگزیده‌ایم و کوشیده‌ایم نشان دهیم که اشکالات زبانی برنامه‌های خبری در نمایشنامه‌های رادیویی نیز یافت می‌شود. هر چند می‌شد نمایشنامه‌های بیشتری برگزید و نمونه‌های بیشتری آورد؛ برای رعایت ایجاز، به چند نمایشنامه، که نام و مشخصاتشان در فهرست منابع آمده است، بسنده کرده‌ایم و به سه مقوله کلی پرداخته‌ایم:

- جمله نامفهوم یا نادرست
- ساختار غیرفارسی
- واژه‌های نامناسب یا زائد.

در هر مقوله، نمونه‌های نادرست از نمایشنامه‌های بررسی شده را در گیومه آورده و پس از توضیحاتی، صورت پیشنهادی خود را می‌آوریم.

### جمله‌های نامفهوم یا نادرست

- «لااقل توبه اندازه کافی برای اینکه ماجرا رو باور کنی مدرک دم دستت هست».

می‌پذیریم که نمایشنامه رادیویی - البته نه همیشه، مثل نمایشنامه‌های تاریخی یا آثار شکسپیر - به گفتار نزدیک‌تر است تا به نوشتار؛ ولی در این جمله آوردن «به اندازه کافی» پیش از «برای اینکه» این توهم را به وجود می‌آورد که این عبارت به «باور کنی» مربوط است نه به «مدرک»؛ در حالی که منظور این است که مخاطب این جمله آن قدر مدرک در دست دارد که باید موضوع را باور کند. نیز، «به اندازه کافی» عبارتی غیرفارسی است و بهتر است به جای آن از «آن قدر» استفاده شود. همین جمله را با حفظ حالت گفت و گو می‌توان به این صورت نوشت:

- دست کم آن قدر مدرک داری که ماجرا را باور کنی.  
- «شایدم به یه سفر دور بری... کاری که داره انجام می‌شه»...

واژه «انجام» به معنای پایان است و ترکیب «انجام شدن» درست به نظر نمی‌رسد؛ ولی از آنجا که در گفت و گو بسیار به

ارتباط رادیوتنها از طریق یکی از پنج حس برقرار می‌شود و برای حدود این ارتباط چیزی وجود ندارد؛ و لذا آن رسانه باید دائماً برای جلب توجه شنونده با پیام‌های دیگر حواس، که شرایطی را به وجود می‌آورند که شنونده خود را در آن می‌یابد، مبارزه کند. این شرایط عبارت‌اند از: رانندگی اتومبیل، شستن ظروف و غیره



کار می‌رود و به اصطلاح «جا افتاده» است، شاید کاربرد آن در نمایشنامه‌های رادیویی نادرست نباشد. اما نکته مهم این است که از این جمله چنین برداشت می‌شود که سفر دور در همان لحظه دارد رخ می‌دهد، اما چنین نیست و این سفر در آینده صورت خواهد گرفت.

-شایدم به یه سفر دور بری... اتفاقی که قراره بیفته.  
- «زمانی که سوار یه سفینه جدید بشی و به مرز سرعت نور برسی»...

**یکی از مواردی که معمولاً در نثر رادیو دیده می‌شود و متأثر از ساختار زبان‌های بیگانه، به ویژه انگلیسی، است کاربرد نابجای «به عنوان» به جای «as» است. کاربرد نادرست این عبارت چنان شیوع یافته است که حتی گاه در محاوره به کار می‌رود**

کاربرد «مرز» در اینجا نادرست است و به جای آن بهتر است از عباراتی مانند «تقریباً» و «نزدیک به» استفاده شود.  
- زمانی که سوار یه سفینه جدید بشی و تقریباً به سرعت نور برسی / به سرعت نور نزدیک شی ...  
- «من لزومی نمی‌بینم، قربان» ...  
«لزوم دیدن» از عبارت‌هایی است که از راه ترجمه‌های لفظ به لفظ به فارسی وارد شده و بهتر است، به جای آن، از «لزومی ندارد» یا «لازم نیست» استفاده شود.  
لزومی نداره / لازم نیست، قربان ...

- «حالا دیگه به یه کتاب چاپ قدیم فقط به چشم پوششی برای فلان مقدار دلار نگاه می‌کنم» ...  
کاربرد «پوشش» در این جمله کاملاً غیر فارسی و از نثر متعارف به دور است. این نیز، همچون جمله قبل، نمونه‌ای از ترجمه تحت‌اللفظی است. منظور گوینده این است که اکنون ارزش کتاب قدیمی برای او به این است که چند دلار به فروش می‌رود. در زبان فارسی، حتی در زبان گفتار، «پوشش» را به این منظور به کار نمی‌بریم. در اینجا این واژه باعث شده که جمله نامفهوم شود.  
- حالا دیگه به نظرم ارزش یه کتاب قدیمی فقط به اینه که چند دلار می‌ارزه.

- «شغل من تلخی‌های خودشو داره».  
در اینجا نیز، کاربرد «خودش» نشان‌دهنده تأثیر زبان ترجمه‌های لفظ به لفظ است. در چنین مواردی معمولاً، «ی» نکره به کار می‌بریم. افزون بر این، انتساب «تلخی» به شغل در

فارسی رایج نیست.

- شغل منم بالاخره سختی‌هایی داره.

- «بارها دیدم چه کسانی با رذالت تموم سر مردم کلاه گذاشتن و دارایی خانوادگی اونارو که قدمتی به درازای چند قرن داره... در ازای یه لقمه نون از چنگشون در آوردن».

نکته‌ای که گوینده به آن اشاره می‌کند در گذشته رخ داده است و امروز نیز رخ می‌دهد و احتمالاً در آینده هم رخ خواهد داد. بنابراین بهتر است به جای زمان گذشته ساده از گذشته نقلی («دیده‌ام») استفاده کنیم. «کسانی»، آن گونه که در این جمله به کار رفته است، بر نوع و مرتبه افرادی دلالت دارد که دست به کارهای مذکور در جمله می‌زنند؛ ولی منظور این نبوده، بلکه این بوده است که وی «چه بسیار کسانی» را دیده که چنان می‌کنند. همچنین، معمولاً، «درازا» را درباره قدمت به کار نمی‌بریم. به علاوه، چون زمان فعل جمله پایه («دیدم») گذشته است، «داره» نیز باید «داشته» (به زمان گذشته) باشد. کاربرد «در ازای» بخش واپسین جمله رامبهم ساخته و شنونده نمی‌داند که «یه لقمه نون» قرار است به کدام گروه برسد؛ به گروه نخست، که سر دیگران کلاه می‌گذارند؛ یا به گروه دوم، که کلاه سرشان می‌رود.

بارها دیده‌ام که کسانی با رذالت تموم سر مردم کلاه گذاشتن و دارایی خانوادگی اونارو، که چند قرن قدمت داشته... با دادن یه لقمه نون از چنگشون در آوردن.  
- انگار دقیقاً همین طوره.

وجه احتمالی «انگار» با وجه یقینی «دقیقاً» تناقض دارد. در این موارد، به جای «انگار»، از عبارت‌های دیگری همچون «به نظرم» یا «گمان می‌کنم» استفاده می‌شود که وجه احتمالی دارند، ولی شدت این وجه در آنها به اندازه «انگار» نیست.  
- به نظرم دقیقاً همین طوره / همین طور باشه.

### ساختارها و جمله‌های غیر فارسی

یکی از مواردی که معمولاً در نثر رادیو دیده می‌شود و متأثر از ساختار زبان‌های بیگانه، به ویژه انگلیسی است، کاربرد نابجای «به عنوان» به جای «as» است. کاربرد نادرست این عبارت چنان شیوع یافته که حتی گاه در محاوره به کار می‌رود. در ادامه، چند نمونه از کاربرد نادرست این عبارت را می‌آوریم. در همه این موارد می‌توان «به عنوان» را حذف کرد یا عبارت‌های دیگری به کار برد، همچون «برای اینکه» و «مثل» و «به جای».  
- «به عنوان تنبیه تا ۴۸ ساعت خاموش می‌مونه».  
- تنبیه‌اش اینه که ۴۸ ساعت خاموش بمونه.  
- «یه چیزایی هست که آدم نمی‌تونه به عنوان واقعیت قبولشون کنه».  
- یه چیزایی هست که آدم نمی‌تونه اونهارو واقعی بدونه.





**نادرستی‌های زبان نوشتار را می‌توان با انتشار مقاله یا کتاب تا اندازه‌ای که با نیازهای زبان در این دوران هماهنگ باشد اصلاح کرد، ولی آن گاه که این نادرستی‌ها و کاستی‌ها به زبان گفتار راه یابد و «جا افتد» زدودن آنها به تلاشی صد چندان نیاز خواهد داشت**

- «جو فلیکس به عنوان پدر شما آدم زرنگی بود».

- جو فلیکس، پدر شما، آدم زرنگی بود.

- «فکر می‌کنم مردم، آخرش به عنوان بار اضافی تو فضا تخلیه می‌شم».

در این جمله، حذف قید زمان پیش از «مردم» نیز جمله را مبهم ساخته است. افزون بر این، بهتر است به جای فعل مجهول از فعل معلوم استفاده شود:

- فکر می‌کنم وقتی بمیرم منو مثل بار اضافی تو فضا تخلیه کنن.

یکی از افعالی که در رادیو و تلویزیون فراوان به کار می‌رود که جزو مختصات سبک زبان این دورسانه شده، فعل «داشتن» است. این فعل به نادرست به جای شماری از افعال فارسی به کار می‌رود؛ از جمله به جای: «کردن» «بیایید همه رعایت ادب را داشته باشیم»؛ به جای: «دادن» «می‌خواهم توضیحی داشته باشم به عنوان کارشناس برنامه» (جمله‌ای بی معنا)؛ به جای: «گفتن» «به عنوان شروع، صبح بخیری داشته باشیم نزد شنونده‌های عزیز» (جمله بی معنا)؛ به جای: «فرستادن» «لطف بفرمایید گزارش خودتان را داشته باشید» (جمله بی معنای دست کم مبهم)؛ به جای: «شنیدن» «صدای ما را دارید»؟ (جمله مبهم)؛

«آوردن» «ممکنه یکی از همکاران جوایز را اینجا داشته باشد»؟ (جمله بی معنا). به نظر می‌رسد که گوینده‌های رادیو و تلویزیون با استفاده از همین یک فعل می‌توانند بسیاری از جمله‌های هر برنامه را بسازند!

در ادامه، چند نمونه از کاربرد نادرست فعل «داشتن» را در نمایشنامه‌های برگزیده می‌آوریم.

- «نمی‌تونم درک کنم، پروفیسور... شما چه تفسیری می‌تونید داشته باشید؟»

در این جمله، علاوه بر کاربرد نادرست فعل «داشتن»، فعل «درک کردن» نیز نادرست به کار رفته است. منظور گوینده این نیست که وی از درک سخنان پروفیسور عاجز است، بلکه فقط می‌خواهد بگوید رویدادها را «متوجه» نمی‌شود و بنابراین نظر پروفیسور را جویا می‌شود.

من که متوجه نمی‌شم، پروفیسور... نظر شما در این باره چیه؟

- «بذار خداحافظی خوشایندی داشته باشیم».

در زبان فارسی، صفت «خوشایند» را درباره خداحافظی به کار نمی‌بریم و اغلب از «بادل خوش» استفاده می‌کنیم.

- بذار بادل خوش از هم خداحافظی کنیم.

در رادیو و تلویزیون، عبارت «اجازه داشتن» نیز معمولاً به جای «گذاشتن» و «توانستن» و «خواستن» و «آمدن» به کار می‌رود.

- «اجازه دارم از اول ماجرا تعریف کنم»؟

- می‌تونم (می‌خواید) ماجرا رو از اول تعریف کنم؟

- (با این وجود، اجازه بدین با پلیس صحبت کنم).

می‌دانیم که کاربرد «با این وجود» در معنای «با این همه» یا «مع هذا» نادرست است و باید گفت «با وجود این». نیز، گوینده نمی‌خواهد از دیگران «اجازه» بگیرد که با پلیس صحبت کند

### اکنون وقت آن است که به نظارت بر

### نویسندگی و گویندگی در رادیو، که رسانه‌ای

### فراگیر و در دسترس است و تقریباً در همه جا

### می‌توان از آن استفاده کرد، بیشتر توجه شود؛

### زیرا تأثیر رادیو دقیقاً در همین سهولت و

### گسترده‌گی کاربرد آن ریشه دارد

(که در این صورت، کاربرد این عبارت نادرست نمی‌بود)؛ بلکه پیشنهاد می‌کند که موضوع را با پلیس در میان بگذارد.

- با وجود این، بهتره با پلیس صحبت کنم.

کاربرد نادرست عبارت «آن قدر که» در حالت نفی یا وجه التزامی نیز به جمله‌های نادرست یا مبهم منجر می‌شود. به این نمونه هادقت کنید:

- «اون قدر پیر هستم که حاضر نباشم دوباره زندگی کنم».

این جمله بی‌معناست؛ اما منظور گوینده این است که عمر او چندان طولانی بوده که دیگر نمی‌خواهد (با شیوه‌های علمی) زندگی را دوباره آغاز کند.

- اون قدر عمر کرده‌ام که دیگه حاضر نیستم دوباره از اول زندگی رو شروع کنم.

- «هیجان زده‌تر از اونم که بتونم چیزی بگم».

منظور گوینده این است که از فرط هیجان زبانش بند آمده و نمی‌تواند چیزی بگوید.

- این قدر هیجان زده‌ام که نمی‌تونم چیزی بگم / از بس

هیجان زده‌ام زبانه بند اومده.

### واژه‌های نامناسب یا زاید

برخی از نمونه‌هایی را که در بخش‌های پیشین آوردیم در اینجا نیز می‌توان ذکر کرد، زیرا چه بسا ابهام جمله ناشی از کاربرد نادرست واژه است؛ ولی برای کوتاهی سخن در اینجا به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

- «هیچ وقت در مورد یه قهرمان بی‌انصافی نکن».

- «خاموش شدن برای یه ربات تنبیه سختیه».

- «مجلس به یه آواز بیشتر احتیاج داره».

- «همچین دفترهایی واسه خودش یه گورستانه». (منظور

گوینده این بوده که دفترهای قدیمی ثبت اسامی مشتریان به گورستان شبیه است، زیرا بسیاری از آن افراد از دنیا رفته‌اند).

در همه نمونه‌های مذکور می‌توان «یک» را، که دلالت بر

امر واحد دارد، حذف کرد.

- «اما میراثش فضا را در تملک انسان قرار داد».

- اما دستاوردش فضا را به تملک انسان در آورد.

- «ولی یه حرفی می‌زنی که از هیچ پایه استدلالی برخوردار

نیست».

- ولی داری حرفی می‌زنی که هیچ پایه و استدلالی نداره

پایه فُرضی نداره.

- «من مدام دام می‌ذارم و عوضش یه مشت کابل قراضه

تحویل می‌گیرم».

- من مدام تله می‌ذارم، ولی فقط یه مشت کابل پوسیده

گیرم می‌آد.

- «خاطره‌هایی که فقط تو ذهن تو زندگی می‌کنن».

- خاطره‌هایی که فقط تو ذهن تو وجود دارن.

- «چند ساله رئیس اینجاستین»؟

- چند ساله رئیس اینجاستین؟

- «هشت سال می‌شه!»

- هشت سالی می‌شه / هشت سال.

- «ولی بعید می‌دونم در طول ۳۷ سال مدیریت من حتی یه

بارم به اینجا اومده باشه»...

- ولی بعید می‌دونم در ۳۷ سال مدیریت من حتی یه بارم

اینجا اومده باشه...

- «یا این مرد عجیب هنوز زنده است و یا اینکه مجموعه‌اش

به دست وراثش افتاده».

- یا این مرد عجیب هنوز زنده‌اس یا اینکه مجموعه‌اش

به دست وراثش افتاده.

- «دانشمندان چینی گوسفند مصنوعی درست کردن!»

- دانشمندان چینی به روش مصنوعی گوسفند تولید کردن.

- «با احتساب خانواده‌ها و بستگان، ما دو روزه که حدود



هفتصد تا هزار مراجع داریم که گمشده شون روز مامی خوان». با احتساب خانواده‌ها و بستگان افراد، دو روزه که حدود هفتصد تا هزار نفر به ما مراجعه می‌کنن و گمشده هاشونو از ما امی خوان.

- «کف سخت اقیانوس اطلس به دست گدازه‌های آتشفشانی تفته شده».

- کف سخت اقیانوس اطلس با گدازه‌های آتشفشانی تفته شده.

- «ممکنه از مون بخندن».

- ممکنه بهمون / بمون بخندن.

این فهرست را می‌توان ادامه داد، ولی همین مقدار برای قصد ما در اینجا کفایت می‌کند؛ و حال باید که از این نوشته نتیجه‌ای بگیریم.

## نتیجه

در این نوشته کوتاه، نخست نشان دادیم که رادیو رسانه‌ای است که بیشتر به زبان گفتار نزدیک است تا زبان نوشتار. آنگاه نمونه‌هایی از نادرستی‌های زبان نمایشنامه‌های رادیویی آوردیم. اما پرسش احتمالی این خواهد بود که همین کاستی‌ها را در نثر نوشتاری نیز می‌توان یافت، پس دلیل تأکید دوباره بر آنها چیست؟ پاسخ به این پرسش همان هدف اصلی این نوشته است: اینکه نشان دهیم کاستی‌ها و نادرستی‌های زبان نوشتار به نمایشنامه‌های معاصر رادیویی، که از مصادیق زبان گفتار است، راه یافته و این وخامت وضع را می‌نمایاند؛ زیرا نادرستی‌های زبان نوشتار را می‌توان با انتشار مقاله یا کتاب تا اندازه‌ای که با نیازهای زبان در این دوران هماهنگ باشد اصلاح کرد، ولی آنگاه که این نادرستی‌ها و کاستی‌ها به زبان گفتار راه یابد و «جا افتد» زدودن آنها به تلاشی صدچندان نیاز خواهد داشت؛ و البته در این میان، مسئولیت نویسنده‌ها و ویراستاران رادیو و

تلویزیون صدچندان است. نمونه‌هایی که از نادرستی‌های متن رادیو آوردیم شاید نشان دهد که اکنون وقت آن است که به نظارت بر نویسندگی و گویندگی در رادیو، که رسانه‌ای فراگیر و در دسترس است و تقریباً در همه جا می‌توان از آن استفاده کرد، بیشتر توجه شود؛ زیرا تأثیر رادیو دقیقاً در همین سهولت و گسترده‌گی کاربرد آن ریشه دارد.

## منبع:

- بر خوردار، ایرج. (۱۳۸۱). اصول تهیه برنامه‌های رادیویی. تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.

- BBC. (۱۳۸۰). دستورالعمل برنامه‌سازی در رادیو و تلویزیون انگلستان. (ترجمه ناصر بلیغ). تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.

- خجسته، حسن. (۱۳۸۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی رادیو. تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.

- خزائلی، عذرا. (۱۳۷۵). نویسندگی برای رادیو و تلویزیون. تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.

- ریچاردز، کیت. (۱۳۸۱). نگارش نمایشنامه رادیویی. (ترجمه مهدی عبدالله‌زاده). تهران: سروش.

- شماره ۸۶، رادیو جوان. ساعت ۲۱، ۸۰/۷۲۲.

- شهباب، محمد. (۱۳۷۷). گفت و گو درباره ترجمه فیلم. ش ۲۶.

- طولانی‌ترین سفر. رادیو جوان. ساعت ۲۱، ۱۳۸۰/۳/۸.

- قصه‌های پارک. رادیو تهران. ساعت ۲۲:۳۰ تا ۸۰/۶/۸.

- کرایسل، اندرو. (۱۳۸۱). درک رادیو. (ترجمه معصومه عصام). تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.

- مجموعه نامرئی. رادیو جوان. ساعت ۲۱، پاییز ۱۳۷۹.

- مکی، ابراهیم. (۱۳۶۶). شناخت عوامل نمایش. تهران: سروش.

- نبی‌زاده، رخشنده. (۱۳۷۶). نگاهی به کاستی‌های ترجمه در برنامه‌های تلویزیونی. ش ۲۳ و ۲۴.

- نغمه‌های دوردست. (۱۳۷۹). رادیو فرهنگ. (برنامه از زمان تا نمایش). ساعت ۲۲.

